

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان^۱

دکتر کریم رضادوست^۲، عبدالله فاضلی^۳ و فاطمه مقتدایی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۴

تاریخ وصول: ۹۳/۶/۱۵

چکیده:

نشاط و شادمانی، پدیده‌ای اجتماعی است که نظریه پردازان مختلف با دیدگاه‌های متفاوتی به آن نگریسته‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان نشاط و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل شهروندان استان خوزستان در تابستان ۱۳۹۰ است که ۱۵ تا ۶۵ سال سن دارند. با توجه به تنوع جامعه‌ی آماری و گستردگی استان، نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای انجام شد و بر این اساس حجم نمونه ۹۸۷ نفر انتخاب گردید. برای سنجش میزان نشاط از پرسشنامه‌ی جامع آکسفورد پس از انجام آزمون پایایی استفاده گردید. نتایج حاکی از آن است که میزان نشاط در بین ۱/۹ درصد از پاسخگویان در حد کم و در مقابل ۱۹/۵ درصد از میزان نشاط بالایی برخوردارند؛ همچنین ۷۸/۶ درصد از پاسخگویان نیز دارای میزان نشاط متوسط هستند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت که پاسخگویان از میزان نشاط متوسط رو به بالایی برخوردار هستند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری نیز نشان می‌دهد که احساس آنومی، احساس امنیت، اعتماد اجتماعی، دینداری، احساس محرومیت و سن تأثیر معنی‌داری بر میزان نشاط اجتماعی داشته‌اند، به نحوی که این ۶ متغیر با توجه به ضرایب به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند.

مفاهیم کلیدی: نشاط اجتماعی، احساس آنومی، احساس امنیت، اعتماد اجتماعی، دینداری، احساس

محرومیت

^۱ این پژوهش بخشی از طرحی است با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی در استان خوزستان» که با حمایت مالی اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان توسط عبدالله فاضلی در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است.

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز rezadoostk@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج و کارمند نهاد کتابخانه‌های عمومی خوزستان (نویسنده‌ی مسئول) a.fazelli@yahoo.com

^۴ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز moghtadaee61@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

انسان موجودی هدفمند و جویای نشاط، خوشبختی و سعادت می‌باشد و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس نشاط، خوشبختی و سعادت نمی‌کند. شاید به جرأت بتوان گفت همه‌ی تلاش هر انسان در جهت یافتن شادی، نشاط و خوشبختی در آینده است. در واقع می‌توان گفت احساس نشاط یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های ما برای مقابله با مشکلات است. نشاط واقعی به این بستگی دارد که انسان نیازهای درونی و پنهانی خود را از طریقی که جامعه و هنجارهای معمول آن را قبول دارد، برآورد (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۱۹).

به عبارت دیگر، نشاط واقعی احساس خاصی است که شخص به هنگام رسیدن به آرزوهایش پیدا می‌کند. اما باید یادآور شد که احساس نشاط به متغیرهای متفاوت اجتماعی و فردی بستگی دارد که از یک سو این نیازها به حکومت و از سوی دیگر به جامعه و نظام ارزشی و در نهایت خود شخص برمی‌گردد (همان).

جامعه از سویی به وجود آورنده‌ی شرایطی است که می‌تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز تحقق فضایی است که فرد می‌تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانی که باعث ایجاد آرامش، امنیت و اطمینان خاطر وی برای یک زندگی مناسب باشند، مبادرت ورزد. نشاط در زندگی ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی و در واقع خود نشانه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به جهان و محیطی که فرد را فرا گرفته و در آن زندگی می‌کند، است. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته‌ی فرهنگی قرار می‌گیرند؛ و نشانه‌ی نگرش فرد نسبت به خود و جهان پیرامونی است. سطح پایین نشاط اجتماعی به گرایش‌های منفی نسبت به جامعه مربوط می‌شود. شاید دلیل عمده‌ی این شرایط، وضعیتی است که جامعه از جهت تحقق اهداف و ایجاد امنیت ناشی از تحقق آن برای فرد در پی دارد. احساس امنیت ناشی از ارضای نیازها و تحقق اهداف، از جمله عوامل اساسی است که نشاط در زندگی را در بین افراد جامعه گسترش می‌دهد (ازکمپ، ۱۳۷۳).

لزوم پرداختن به مقوله‌ی احساس شادی و نشاط و عوامل فرهنگی ایجادکننده‌ی آن از آنجا ناشی می‌شود که به نظر می‌رسد، امروزه پیشرفت هر جامعه در گرو استفاده‌ی بهینه از نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه‌ی مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله‌ی شادی و نشاط انسان‌هاست، زیرا انسان با نشاط، انسانی کارا، مبتکر، مولد و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک

شایانی خواهد کرد. بر این اساس در نظر گرفتن این مقوله در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مستلزم شناخت و بررسی دقیق و علمی آن پدیده است (ربانی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۲). با این وجود، پیشرفت‌های سریع فن‌آوری و اطلاع‌رسانی، علیرغم مزایای فراوان، خلایق را برای انسان معاصر به وجود آورده است. موج فزاینده‌ی افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روحی - اجتماعی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که نشان می‌دهند، گویا شادی از جوامع بشری رخت بر بسته است (آرگایل، ۱۳۸۲: ۱۱). کشور ایران نیز که از چند دهه قبل به صورت جدی در معرض امواج مدرنیته است، خواه ناخواه تحت تأثیر پیامدهای مثبت و منفی این پدیده‌ی اجتماعی قرار گرفته است. افزایش سطوح تحصیلات و گسترش نهادهای آموزشی خصوصاً آموزش عالی در کشور، رشد بی‌سابقه‌ی شهرنشینی و ایجاد کلان‌شهرهای متعدد، ظهور و رشد کارخانه‌ها و واحدهای مختلف صنعتی از مظاهر عمده‌ی مدرنیته در ایران محسوب می‌گردند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در سال ۱۳۸۸ پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان» توسط چلبی و موسوی انجام گرفت. این پژوهش از دو روش پیمایش و تحلیل ثانوی بهره برده است. روش پیمایش با انتخاب ۳۸۶ نفر از شهرهای تهران، یزد و میبد و با کاربرد پرسشنامه نشاط آکسفورد انجام شد. داده‌های ثانویه نیز از پیمایش ارزش‌های جهانی (موج چهارم ۲۰۰۴-۱۹۹۹) بدست آمد. نتایج این تحقیق نشان داد که سطح شادمانی در جامعه‌ی ایران پایین و بیش از نیمی از افراد میزان شادمانی‌شان کمتر از حد متوسط است. بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان اظهار کرد که یکی از عواملی که بدون واسطه‌ی دیگر متغیرها، شادمانی افراد را تا حد زیادی افزایش می‌دهد، روابط اعتمادآمیز است که در این پژوهش این عامل در سطوح خرد از طریق متغیر انزوای اجتماعی و در سطح کلان تحت عنوان سرمایه‌ی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق، در مورد تأثیر عوامل مادی بر شادمانی می‌توان گفت که در سطح خرد همراه با افزایش درآمد، افزایش چندان‌ی در میزان شادمانی افراد به وجود نمی‌آید، اما در سطح کلان میانگین شادمانی افراد در کشورهای کم‌درآمدتر است.

«بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر شهر تهران)» عنوان پژوهشی است که در سال ۱۳۸۸ توسط هزارجریبی و آستین‌فشان انجام شد. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل افراد ۱۵ تا ۶۵ سال ساکن در استان تهران و حجم نمونه ۲۰۰۰ نفر بود.

یافته‌ها بیانگر متوسط بودن احساس نشاط در بین اکثریت پاسخگویان است بدین معنا که ۵۴ درصد احساس نشاط اجتماعی خود را در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از همبستگی متغیرها نیز نشان داد که بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی ارتباط منفی و معکوس وجود دارد. بدین معنا که با افزایش احساس محرومیت، نشاط اجتماعی در بین افراد کاهش می‌یابد؛ اما، بین امید به آینده مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزش‌ها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی، احساس امنیت با نشاط اجتماعی رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد و با افزایش هر کدام از متغیر، احساس نشاط نیز بالا می‌رود.

« فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان » عنوان تحقیقی است که توسط ربانی و دیگران در سال ۱۳۸۶ انجام گرفت. روش مورد استفاده در این پژوهش پیمایش بوده و داده‌ها با کاربرد پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که شادی افراد مورد مطالعه در حد متوسط است. نتایج تحلیل این پژوهش نیز عبارتند از: ۱- ارتباط سرمایه‌ی فرهنگی و شادی یک ارتباط مستقیم است. این ارتباط در بعد شناختی و سپس در بعد احساسی و در نهایت در بعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. در حیطه‌ی ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی بیشترین تأثیر در بعد وسایل فرهنگی سپس مهارت فرهنگی و در نهایت مدارک فرهنگی است به طوری که در بعد مهارتی، مدرکی و وسایل فرهنگی، اثرگذاری بر بعد شناختی بیش از سایر ابعاد است. ۲- رابطه‌ی دینداری و شادی رابطه‌ی مثبت است و این ارتباط در بعد شناختی سپس در بعد اجتماعی و در نهایت در بعد احساسی قوی‌تر است

ب) تحقیقات خارجی

در سال ۲۰۱۰ تحقیقی با عنوان « عوامل اجتماعی و روانشناختی مؤثر بر نشاط در بین نوجوانان » توسط شارما و ماله هوترا^۱ در منطقه‌ی هیماچل پرادش^۲ هند انجام گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد که ثبات عاطفی و سختی شخصیت، دینداری و حمایت اجتماعی با نشاط اجتماعی دارای روابط مثبت و معنادار هستند. در پایان پژوهشگران بدین نتیجه رسیدند که علاوه بر شخصیت، عوامل اجتماعی نیز در تعیین میزان نشاط افراد مؤثرند.

موکرچی و برون^۳ نیز در سال ۲۰۰۵ تحقیقی با عنوان « جنسیت، مذهب و نشاط » انجام دادند. پژوهشگران با گردآوری داده‌های تجربی مربوط به ۶۰ کشور جهان موجود در

¹ Sharma and Malhotra

² himachal pradesh

³ Mookerjee and Beron

بانک اطلاعاتی جهانی نشاط^۱ سعی در سنجش میزان اهمیت (تأثیر) مذهب و جنسیت در سطوح نشاط در بین کشورهای جهان داشتند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که هم مذهب و هم جنسیت (منظور میزان حضور زنان در اداره‌ی امور کشور مانند مجلس است)؛ دارای تأثیرات قابل توجه بر میزان نشاط هستند.

در سال ۲۰۰۸ تحقیقی با عنوان «دینداری و نشاط در سه کشور» توسط اسنوپ^۲ انجام گرفت. این پژوهش با کار بست داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی مربوط به سه کشور ایالات متحده، دانمارک و هلند سعی دارد، رابطه‌ی بین دینداری و نشاط اجتماعی را در این سه کشور بررسی کند. به طور کلی نتایج حاکی از آن است که بین دینداری و نشاط رابطه‌ی مثبت وجود دارد. این رابطه در ایالات متحده قوی‌تر از دانمارک و هلند است؛ بنابراین محقق نتیجه می‌گیرد که در کشورهایی که کلیسا دارای کارکردهای اجتماعی و اقتصادی بیشتری است (ایالات متحده) و اکثریت مردم مؤمن (معتقد) هستند، رابطه‌ی بین دینداری و نشاط قوی‌تر است تا در کشورهایی که کلیسا کارکردهای خود را از دست داده و مؤمنان در اقلیت هستند (دانمارک و هلند).

در سال ۲۰۰۰ پژوهشی با عنوان «مدرنیته و نشاط: مورد مطالعه آلمان» توسط بالمان انجام شد. سؤال اساسی این پژوهش عبارت بود از: آیا جوامع مدرن افراد را قادر می‌سازند که زندگی شادتری داشته باشند؟ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که با وجود پیشرفت سریع نوسازی در آلمان، هنوز الگوهای آنومی طی ۲۰ سال گذشته در آلمان اشاعه نیافته‌اند. به عبارت دیگر مدرنیته در آلمان منجر به آنومی نشده است. از حرف طرف دیگر بین احساس آنومی و نشاط اجتماعی رابطه‌ی معنادار کشف گردید. به عبارت دیگر هر چه میزان آنومی کمتر باشد، نشاط اجتماعی افزایش بیشتری خواهد یافت. اسوین یارد، کائو و فونتا^۳ در سال ۲۰۰۱ تحقیقی با عنوان «نشاط، مادی‌گرایی و تجربه‌ی دینداری در ایالات متحده و سنگاپور» انجام دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که هم در ایالات متحده و هم در سنگاپور بین مادی‌گرایی و نشاط ارتباط منفی و معنادار وجود دارد. مشاهدات نشان داد که مردم سنگاپور نسبت به مردم ایالات متحده، بیشتر مادی‌گرایند و میزان نشاط پایین‌تری دارند. در این پژوهش دینداری در ابعاد «درونی^۴» و «بیرونی^۵» بر اساس مقیاس درونی/بیرونی آلپورت و رز^۶ بود، مورد سنجش

¹ The world Database of Happiness

² Snoep L.

³ Swinyard, kau and phua

⁴ intrinsic

⁵ extrinsic

⁶ Allport and Ross

قرار گرفت. در این زمینه، نتایج نشان داد که بین هر دو بعد دینداری و میزان نشاط رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، سنجش میزان نشاط و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان خوزستان است.

چارچوب نظری پژوهش

پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی به گونه‌ای است که هیچ نظریه‌ی واحدی نمی‌تواند به صورت جامع یک پدیده‌ی اجتماعی را تبیین نماید. در این راستا اندیشمندان متعددی با رویکردهای مختلف به نشاط بعنوان یک پدیده‌ی اجتماعی نگریسته‌اند و به تبیین آن پرداخته‌اند. اندیشمندانی مانند دورکیم، گیدنز، سلیگمن، تاو و داینر و تدگار هر یک به نوبه‌ی خود سعی کرده‌اند تا به گونه‌ای عوامل تأثیرگذار بر نشاط یا شادمانی را مورد بحث قرار دهند.

در جامعه‌شناسی، دورکیم اولین کسی است که انعکاس‌های عمده در تناقضات^۱ پیشرفت اجتماعی را بیان می‌کند. دیدگاه دورکیم این بود که تقسیم فزاینده کار اجتماعی دلالت‌های مهمی برای پیوستگی^۲ اجتماعی داشته است. از یک طرف، وی ادعا کرد که تمایزبایی کارکردی منجر به تمایزبایی اجتماعی فزاینده می‌گردد. در نتیجه، همبستگی مکانیکی، که مبتنی بر شباهت اجتماعی است، تضعیف می‌گردد. از طرف دیگر، تقسیم کار شکل جدیدی از پیوستگی اجتماعی ایجاد می‌کند، یک همبستگی ارگانیک که مبتنی بر تفاوت‌های فردی است (بالمان، ۲۰۰۰: ۴۰۰-۳۷۵).

به نظر دورکیم، هیچ تضمینی وجود ندارد که تغییر از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی با موفقیت قرین گردد. در حقیقت وی از این می‌ترسید که پویایی توسعه‌ی اقتصادی، جدال بین سرمایه و کار و تفکیک (جدایی) فزاینده‌ی علوم منجر به یک شکل غیر عادی تقسیم کار گردد که باعث ایجاد یک همبستگی نوین نشود. دورکیم، تهدید برای پیوستگی اجتماعی را در بحران‌های اجتماعی می‌دید که باعث تضعیف پیوندهای بین افراد و جامعه می‌گردد و این حالت بی‌قانونی را اصطلاحاً «آنومی» نامید. دورکیم در کتاب

¹ ambivalence

² cohesion

خودکشی ادعا می‌کند که پیامدهای فروپاشی یکپارچگی اجتماعی عبارتند از: بی‌ریشگی^۱، ایزوله شدن افراد در اجتماع و افزایش میزان خودکشی یا عدم نشاط^۲ (همان).

اینگلهارت پیدایش نشاط را به گسترش فرایند توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که: توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی، اساس زندگی مادی و ساختار اجتماعی جوامع را دگرگون می‌کند. توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی به واسطه‌ی افزایش منابع مادی افراد، بطور مستقیم بر درک مردم از امنیت وجودی و اطمینان از بقاء مادی اثر می‌گذارد. گسترش امنیت نیز از منظر اینگلهارت منجر به پیدایش نشاط اجتماعی می‌گردد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹)؛ بنابراین از منظر اینگلهارت نیز آنچه باعث افزایش سطوح نشاط در جامعه می‌گردد، بالا رفتن امنیت وجودی در نتیجه‌ی توانایی بشر در تسلط بر محیط و تضمین "نیاز بقاء" برای انسان است.

بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی تد گار، فرد به مقایسه‌ی خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه‌ی مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده، در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (گار، ۱۹۷۰؛ به نقل از هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸: ۱۴۶-۱۱۹).

سلیگمن نیز معتقد است که مذهب دست کم به دو طریق در افزایش سطح نشاط مؤثر است: نخست اینکه مذهب ارائه‌دهنده‌ی یک نظام منسجم اعتقادی است که به انسان این امکان را می‌دهد تا برای زندگی به جست‌وجوی معنی بپردازد و برای آینده امید بیابد؛ دوم اینکه نظام‌های اعتقادی مذهبی کمک می‌کند تا فرد دلایل قابل قبول و دست کم آرامش‌بخشی را برای توجیه ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی خود بیابد؛ سوم اینکه افرادی که واقعاً مذهبی هستند و عنصر مذهب در اعتقادات آنها نیرومند است، گرایش کمتری نسبت به انحرافات دارند و رفتارهای نیکو، جامعه‌پسند و انسان‌دوستانه‌ی بیشتری انجام می‌دهند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۶۵).

گیدنز، ماهیت نمادهای مدرن را عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی می‌داند. به اعتقاد وی، تماس با متخصصان یا نمایندگانشان به شکل روبه‌رویی در جوامع مدرن، بسیار مهم است. روبه‌رویی با نمایندگان نظام‌های انتزاعی را البته می‌توان تحت قاعده درآورد و این روبه‌رویی‌ها به آسانی ممکن

¹ rotlessness

² unhappiness

است قابلیت اعتماد در دوستی و نزدیکی‌ها را به خود گیرند. برای مثال این قضیه در مورد تماس با پزشکان، دندانپزشکان و یا کارکنان مؤسسات سیر و سفر که به گونه‌ای منظم و طی یک دوره‌ی چندین ساله انجام می‌گیرد، صادق است. در نقاط دسترسی (نقاطی که کنشگر غیر متخصص با نظام‌های تخصصی روبه‌رو می‌شود)، پایبندی‌های چهره‌داری^۱ که کنشگران غیر متخصص را در روابط اعتمادی قرار می‌دهند - که معمولاً مستلزم نمایش قابلیت اعتماد و صداقت آشکارند - با رویکردی از «وضعیت عادی» یا «آسوده‌خاطری» همراه می‌شوند (گیدنز، ۱۳۷۷) که همین امر می‌تواند در ایجاد احساس شادی و نشاط مؤثر افتد.

سپس گیدنز به شرایطی اشاره می‌کند که در آن شرایط، نبود اعتماد را می‌توان با بی‌اعتمادی در مورد نظام‌های انتزاعی مشخص کرد. در این ارتباط، بی‌اعتمادی به معنای شک داشتن از دایه‌های مهارتی است که یک نظام تخصصی با خود یدک می‌کشد و یا داشتن یک رویکرد جداً منفی نسبت به آن است. گیدنز اشاره می‌کند که نتیجه‌ی چنین شرایطی، شکل‌گیری «اضطراب وجودی» دایمی است. به اعتقاد وی نقطه‌ی مقابل اعتماد به عمیق‌ترین معنای آن، حالتی ذهنی است که خلاصه‌اش همان «نگرانی» یا «هراس وجودی» است؛ بنابراین اعتقاد گیدنز بر این است که اعتماد به نظام‌های انتزاعی، خصوصاً نظام‌های تخصصی، باعث احساس امنیت، آرامش و نشاط و فقدان این اعتماد موجب احساس دلهره و اضطراب خواهد بود (همان).

همچنین در این زمینه، تاو و داینر معتقدند که، همیاری^۲ و اعتماد، دارای تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت بر بهزیستی ذهنی (نشاط) هستند. "تعاملات تعاونی^۳ به واسطه‌ی تحریک عواطف و نگرش مثبت دارای تأثیرات کوتاه‌مدت بر بهزیستی ذهنی است. زمانی که مشارکت کنندگان در یک فعالیت تعاونی ساخت‌یافته^۴ با عضو یک گروه اجتماعی «داغ خورده»^۵ درگیر می‌شوند، نسبت به زمانی که به صورت فردی کار می‌کنند، بیشتر به توسعه‌ی نگرش‌های مثبت گروه می‌پردازند؛ سپس تاو و داینر به بررسی تأثیرات طولانی مدت همیاری و اعتماد بر بهزیستی ذهنی می‌پردازند. کارهای دسته‌جمعی در مقایسه با تلاش‌های فردی به طور مؤثرتری حمایت اجتماعی را افزایش می‌دهند. چنین کارهای

^۱ به اعتقاد گیدنز دو نوع پایبندی در جهان مدرن وجود دارد: چهره‌دار و بی‌چهره. پایبندی‌های چهره‌دار به آن نوع روابط اعتمادی راجعند که در پیوندهای اجتماعی تثبیت شده در شرایط هم‌حضور، حفظ و متجلی می‌شوند، در مقابل، پایبندی‌های بی‌چهره به رشد اعتقاد به نشانه‌های نمادین یا نظام‌های تخصصی که در مجموع آنها را نظام‌های انتزاعی می‌نامیم، راجعند (گیدنز، ۱۳۷۷).

^۲ cooperation

^۳ cooperative interactions

^۴ structured cooperative activity

^۵ stigmatized

دسته‌جمعی ممکن است باعث افزایش روابط مثبت با دیگران در راستای اهداف مشترک شوند و به افراد در کسب منابع اجتماعی که از نیرومندترین همبسته‌های بهزیستی ذهنی هستند، کمک کنند. اعتماد و همیاری، با تسهیل توسعه‌ی روابط اجتماعی می‌تواند بر بهزیستی ذهنی مؤثر افتند (تاو و داینر، ۲۰۰۹).

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سطح دینداری و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین احساس امنیت و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین اعتماد اجتماعی (بین فردی) و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین احساس محرومیت و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین احساس آنومی و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین سن و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر «پیمایش» و ابزار به کار گرفته شده برای گردآوری داده‌ها «پرسشنامه» می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار ۱۶ SPSS انجام گرفته است. در این تحقیق برای سنجش میزان نشاط از مقیاس نشاط اکسفورد که یک مقیاس جامع است، استفاده گردیده است. این مقیاس مهم‌ترین مقیاس نشاط محسوب می‌گردد که توسط مایکل آرگایل در سال ۲۰۰۱ میلادی در دانشگاه اکسفورد ساخته شد. مقیاس اکسفورد جمعاً حاوی ۲۹ سؤال است. تمامی سؤالات در قالب طیف ۵ نقطه‌ای لیکرت آمده‌اند.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل شهروندان استان خوزستان که بین سنین ۱۵ تا ۶۵ سال هستند، در نظر گرفته شده است. داده‌های این پژوهش در تابستان ۱۳۹۰ گردآوری شده است.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه: در این تحقیق با توجه به تنوع جامعه‌ی آماری و گستردگی استان، نمونه‌گیری به صورت چند مرحله‌ای انجام شده و بر این اساس حجم نمونه مورد نظر ۹۸۷ نفر در نظر گرفته شد.

پایایی و روایی: شایان ذکر است که پرسشنامه‌ی اکسفورد متداول‌ترین پرسشنامه جهت سنجش نشاط محسوب می‌گردد و اعتبار آن توسط محققان مختلف به اثبات رسیده است؛ همچنین میزان آلفای کرونباخ برای مقیاس نشاط که در یک نمونه‌ی ۵۰ نفری در شهر اهواز بعنوان آزمون مقدماتی انجام شد، ۰/۸۷ بدست آمد؛ همچنین میزان

آلفای احساس آنومی (۰/۷۴)، احساس محرومیت (۰/۷۵)، احساس امنیت (۰/۷۰)، دینداری (۰/۸۳) و اعتماد بین فردی (۰/۹۰) بدست آمد.

تعاریف متغیرها

نشاط اجتماعی: نشاط یا شادمانی مفهومی است که در برگرفته‌ی لذت آنی، لذت طولانی مدت و لذت از کل زندگی است. نشاط دارای سه جزء اساسی است: هیجانات مثبت، رضایت از زندگی و فقدان عواطف منفی (شریفی و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۹-۶۲).
 آچدا و دیگران نیز نشاط را شاخصی برای ارزیابی کلی کیفیت زندگی یک نفر توسط خود او (بهزیستی ذهنی) می‌دانند (آچدا و دیگران، ۲۰۰۴). اینگلهارت نیز در این راستا، پدیده‌هایی مانند نشاط، بهزیستی ذهنی و رضایت از زندگی را پدیده‌های مشابهی می‌داند که تحت تأثیر انتخاب مستقلانه‌ی افراد هستند. وی بیان می‌کند که: "نشاط انسانی در شرایط انتخاب آزاد، شکوفاتر می‌شود. افرادی که سطوح نسبتاً بالایی از کنترل و انتخاب را در چگونگی انجام زندگی احساس می‌کنند، بطور سیستماتیک سطوح بالاتری از رضایت از زندگی را بیان می‌کنند. کاهش محدودیت بر انتخاب انسانی موجب احساس استقلال وجودی و تأکید بر بهزیستی ذهنی می‌شود (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۴۶-۱۱۹)؛ بنابراین در این پژوهش مفاهیم بهزیستی ذهنی، نشاط و رضایت از زندگی در یک معنا به کار گرفته شده است.

دینداری: در سنجش میزان دینداری از مدل گلاک و استارک استفاده شده است. در این مدل چهار بعد اعتقادی، رفتاری یا مناسکی^۱، احساسی یا تجربی^۲ و پیامدی^۳ برای دینداری در نظر گرفته شده است. مناسک دینی با استفاده از برخی اعمال دینی فردی و جمعی از قبیل نماز، روزه، دعا و نیایش، قرآن خواندن و شرکت در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی عملیاتی می‌شود. در بعد اعتقادی بیشتر اصول اعتقادی دین اسلام مد نظر بوده است. بعد احساسی شامل عواطف و احساساتی مثل احساس نزدیکی به خدا، احساس کوچکی در برابر خدا، احساس معنویت در اماکن مذهبی است. بعد پیامدی از طریق معیار قرار دادن رعایت احکام در دینداری مورد سنجش قرار گرفته است (کلارک و استارک به نقل از مقتدایی، ۱۳۸۹).

احساس آنومی: منظور از احساس آنومی یا آشفتگی اجتماعی یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن، افراد قادر نیستند بر اساس یک نظام "قواعد مشترک"

¹ ritualistic

² experimental

³ consequential

ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضاء نمایند؛ در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳).

احساس محرومیت نسبی: رانسیمین^۱ محرومیت نسبی را این‌گونه تعریف می‌کند: "فردی به محرومیت نسبی دچار می‌شود که: ۱- آنچه را که بقیه‌ی افراد دارند، ندارد؛ ۲- فرد این تفاوت بین خود و دیگری یا دیگران (یا تفاوت بین شرایط موجود خود و شرایط دلخواه دیگران) را بعنوان محرومیت تلقی کند. بنابراین بزرگی احساس محرومیت به میزان تفاوت بین شرایط کنونی و شرایط دلخواه فرد بستگی دارد (رانسیمین، ۱۹۶۶).

احساس امنیت اجتماعی: در این پژوهش از تعریف اینگلهارت از امنیت استفاده شده است. اینگلهارت در بحث از امنیت از اصطلاحی با عنوان "امنیت سازنده" استفاده می‌کند. به اعتقاد وی امنیت سازنده دارای دو بعد امنیت جانی و اقتصادی است. همچنین وی امنیت را ذهنی (یعنی احساس فرد از وجود یا فقدان امنیت و نه وجود یا فقدان امنیت) می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

اعتماد بین فردی: اعتماد بین فردی منعکس‌کننده‌ی اعتماد میان شهروندان برابر است؛ بنابراین به طور افقی جهت یافته است و ناظر بر جوامعی است که در آن مردم به وسیله‌ی تارهای متنوع اقتصادی و کنش متقابل مدنی به هم پیوند خورده‌اند. در واقع اعتماد بین فردی منعکس‌کننده‌ی شدت پیوندهای افراد یک جامعه است و در مقابل اعتماد عمودی قرار می‌گیرد که منعکس‌کننده‌ی اعتماد به سلسله مراتب نهادینه‌ای است که دارندگان اقتدار به وسیله‌ی آن، قدرت را بر مردم اعمال می‌کنند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول ۱ یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ۱/۹ درصد افراد میزان نشاط پایینی دارند. میزان نشاط در بین ۷۸/۶ درصد افراد در حد متوسط و ۱۹/۵ درصد نیز از میزان نشاط بالایی برخوردارند. این اعداد برای متغیر احساس محرومیت به ترتیب ۹/۷، ۶۱/۷ و ۲۳/۹ می‌باشد. در مورد دینداری نیز باید بیان کرد که اکثر افراد (حدود ۸۰ درصد) دارای دینداری بالایی هستند و تنها ۲۰ درصد میزان دینداری پایین یا متوسطی دارند؛ همچنین ۸۶ درصد افراد نیز میزان اعتماد متوسطی دارند. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت میزان اعتماد در این پژوهش در حد متوسط است. حدود ۴۵ درصد افراد احساس امنیت پایینی دارند و تنها ۹ درصد از میزان

^۱ Runcinam

بالای احساس امنیت برخوردارند. احساس آنومی در بین ۶۴ درصد افراد در حد متوسط است و حدود ۱۷ و ۱۹ درصد افراد به ترتیب احساس آنومی پایین و بالایی دارند.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

نام متغیر	پایین (درصد)	متوسط (درصد)	بالا (درصد)
نشاط	۱/۹	۷۸/۶	۱۹/۵
احساس محرومیت	۹/۷	۶۱/۷	۲۳/۹
دینداری	۲/۵	۱۷/۸	۷۹/۶
اعتماد اجتماعی	۶/۶	۸۶/۱	۷/۳
احساس امنیت	۴۴/۶	۴۸/۶	۸/۶
احساس آنومی	۱۶/۹	۶۴/۲	۱۸/۸

آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و وابسته

در این پژوهش برای آزمون متغیرهای مستقل اصلی پژوهش و متغیر وابسته از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل و نشاط

تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
۹۸۷	۰/۰۰۶	-۰/۰۸۷	سن
۹۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۷	احساس محرومیت نسبی
۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸	دینداری
۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰	اعتماد اجتماعی
۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۱۵۳	احساس امنیت
۹۸۷	۰/۰۰۰	-۰/۱۵۷	احساس آنومی

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه‌ی همبستگی معناداری وجود دارد به عبارت دیگر تمام فرضیات تحقیق مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در این میان، رابطه‌ی متغیرهای سن، احساس محرومیت و احساس آنومی با نشاط رابطه‌ای منفی یا معکوس است، یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر کاهش می‌یابد و بالعکس؛ در حالی که دینداری، اعتماد و احساس امنیت دارای رابطه‌ی مثبتی با میزان نشاط هستند.

تحلیل رگرسیون چند متغیره پژوهش

در جدول ۳ نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون میزان نشاط اجتماعی با متغیرهای مستقل ارائه شده است. نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که واریانس متغیر وابسته با توجه به متغیرهای مستقل از طریق R^2 حدود ۰/۱۷۹ درصد از واریانس میزان نشاط اجتماعی را تبیین کرده‌اند، همچنین نتایج بدست آمده از ضرایب نشان می‌دهد که متغیرهای احساس آنومی، احساس امنیت، اعتماد اجتماعی، دینداری و احساس محرومیت و سن تأثیر معنی‌داری بر میزان نشاط اجتماعی داشته‌اند؛ به نحوی که این ۶ متغیر با توجه به ضرایب به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. در این جدول احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی، اعتماد اجتماعی، دینداری احساس امنیت و سن معنی‌دار نشان داده شده است. بنابراین، در اینجا نیز اطلاعات تحلیل شده حاکی از اهمیت بیشتر این ۵ عامل است. به نحوی که این ۵ متغیر در تغییرات میزان نشاط اجتماعی مؤثر واقع شده‌اند. جدول ۴ نیز این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۳: تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

مدل	درجه‌ی آزادی	مجموع مجزورات	میانگین مجزورات	کمیت f	سطح معناداری F	رگرسیون چندگانه	R^2
رگرسیون	۹	۲۲۴۴۵/۵۹۱	۲۴۹۳/۹۵۵	۲۳/۰۶۳	^a ./۰۰۰	^a ./۴۲۳	۰/۱۷۹
باقیمانده	۹۵۵	۱۰۳۲۶۹/۹۸۲	۱۰۸/۱۳۶				
کل	۹۶۴	۱۲۵۷۱۵/۵۷۳					

جدول ۴: رگرسیون میزان نشاط اجتماعی و متغیرهای مستقل

متغیرها	شاخص‌ها	B	اشتباه استاندارد	$Beta$	مقدار t	سطح معناداری
عناصر ثابت		۸۷/۰۵۸	۵/۰۰۷		۱۷/۳۸۶	۰/۰۰۰
احساس آنومی		-۰/۴۲۳	۰/۰۶۴	-۰/۲۴۹	-۶/۶۴۲	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی		۰/۸۰۶	۰/۱۳۲	۰/۱۸۴	۶/۱۱۵	۰/۰۰۰
دینداری		۰/۲۸۵	۰/۰۵۲	۰/۲۰۱	۵/۴۹۷	۰/۰۰۰
احساس محرومیت		-۱/۰۷۱	۰/۱۶۳	-۰/۱۹۵	-۶/۵۵۱	۰/۰۰۰
احساس امنیت		۰/۳۱۰	۰/۱۰۰	۰/۰۹۹	۳/۱۰۹	۰/۰۰۲
سن		-۱/۲۳۱	۰/۳۰۰	-۰/۱۲۲	-۴/۱۰۸	۰/۰۰۰

خلاصه و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پدیده‌ی شادمانی (نشاط) به دلیل اثرات و پیامدهای متعدد آن در حوزه‌ی روابط و کنش‌های انسانی و ضرورت توجه به آن در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی - فرهنگی، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر همسو با تحقیقات داخلی (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶) و خارجی (موکرجی و براون، ۲۰۰۵)، اسوین یارد، کائو و فوئا (۲۰۰۱)، اسنوپ (۲۰۰۸)، شارما و ماله هوترا (۲۰۱۰) و پیمایش جهانی ارزش‌ها نشان داد که سطح دینداری بر نشاط اجتماعی تأثیر مثبت دارد. نوریس و اینگلهارت در این زمینه استدلال کرده‌اند که مذهب نوعی احساس "قابل پیش‌بینی بودن امور و رخدادها" و "احساس امنیت" را خصوصاً در شرایط عدم وجود امنیت برای افراد فراهم می‌آورد و بدین طریق بر افزایش نشاط تأثیر می‌گذارد (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۸۷). سلیگمن نیز بر نقش مذهب در "معنا بخشیدن" به زندگی افراد و همچنین آرامش بخشیدن در هنگام ناکامی‌ها، شکست‌ها و مصائب زندگی اشاره می‌کند.

اسوین یارد و دیگران (۲۰۰۱)، نیز در این مورد استدلال می‌کنند که دینداری به واسطه‌ی حمایت و همبستگی اجتماعی و به عبارت دیگر، ایجاد مکان‌های عبادت (کلیسا، مسجد و ...) و ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل بین مردمی که دارای ارزش‌های مشترکی هستند در افزایش نشاط مؤثر است. بدین ترتیب اعضای گروه‌های مذهبی از شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی حمایتی و قابل اعتماد بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین از منظر اسوین یارد و دیگران دینداری با واسطه‌ی اعتماد اجتماعی بر نشاط تأثیر گذار است. پالنر (۱۹۸۹)، در این راستا بیان می‌کند که تأثیر عمده‌ی رابطه با خداوند بر نشاط، غیر مستقیم و از طریق تقویت احساس نظم، قابل پیش‌بینی بودن امور و دادن معنای مذهبی به مشکلات زندگی است.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر (همسو با یافته‌های پژوهش هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸)، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر نشاط، احساس امنیت است. در این زمینه اینگلهارت پیدایش نشاط را که از آن با عنوان "نشاط فرامادی گرایانه" تعبیر می‌شود، به گسترش فرایند توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی نسبت می‌دهد. به اعتقاد اینگلهارت، توسعه، امنیت وجودی (امنیت مالی و جانی) را در جوامع افزایش می‌دهد. گسترش امنیت نیز به تبع منجر به پیدایش نشاط می‌گردد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). در این زمینه، گیدنز (۱۳۷۷) نیز، بر نقش نظام‌های انتزاعی در ایجاد امنیت زندگی در روزمره‌ی انسان و به دنبال آن گسترش احساس "آسوده‌خاطری" در بین افراد تأکید دارد.

¹ post-materialistic happiness

یافته‌های پژوهش حاضر مطابق تحقیقات داخلی (چلبی و موسوی، ۱۳۸۸) و خارجی (۲۰۰۴: تاو و داینر، ۲۰۰۹ و رگو و کانا، ۲۰۰۹)، نشان داد که اعتماد نیز می‌تواند عامل مؤثری در افزایش نشاط باشد. در این زمینه، تاو و داینر (۲۰۰۹)، معتقدند که، اعتماد و همیاری، با تسهیل توسعه‌ی روابط اجتماعی بین افراد جامعه می‌تواند به افزایش بهزیستی ذهنی (نشاط) کمک کنند. اینگلهارت نیز بیان می‌کند که، توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی دارای پیامدهای متعددی در ابعاد مختلف اجتماعی است. توسعه به واسطه ایجاد امنیت وجودی، سعی در افزایش سطوح اعتماد بین فردی تعمیم یافته دارد و از این مسیر بر میزان شادمانی تأثیر می‌گذارد (اینگلهارت، ۱۹۹۷).

از دیگر عوامل مؤثر بر نشاط در پژوهش حاضر، که دارای رابطه‌ی منفی با نشاط بوده، احساس محرومیت نسبی است. یافته‌های تحقیقات داخلی (هزارجریبی و آستین‌فشان، ۱۳۸۸) و خارجی (دی آمبروسی و فریخ، ۲۰۰۴)، نیز حاکی از ارتباط منفی و معکوس بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی است، بنابراین می‌توان گفت که، رضایت افراد به آنچه آنها در اطراف خود مشاهده می‌کنند، وابسته است. اگر مردم انتظار نداشته باشند یا امیدوار نباشند که وضعیت‌شان از آنچه هست، بهتر شود، از آنچه دارند راضی هستند، اما اگر وضعیت بهتر سایر افراد مشابه خود در جامعه را مشاهده و خود را با آنها مقایسه کنند، در آن صورت احساس نارضایتی به آنها دست می‌دهد و تا زمانی که در رسیدن به هدف‌شان موفق نشوند، همچنان نارضی خواهند ماند؛ بنابراین، نشاط / رضایت یک تصور نسبی است که نشان می‌دهد، میزان بهزیستی (نشاط) افراد ناشی از «ثروتمندتر» شدن است نه فقط «ثروتمند» شدن. تدگار نیز بر اساس دیدگاه محرومیت نسبی معتقد است که، اگر فرد در نتیجه‌ی مقایسه‌ی خود با دیگران به چنین پنداشتی برسد که بر اساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده، در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت (عدم نشاط) در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (گار، ۱۹۷۰؛ به نقل از هزارجریبی، ۱۳۸۸).

در مورد تأثیر منفی احساس آنومی بر نشاط که موافق با یافته‌های پژوهش چلبی و موسوی (۱۳۸۸) و بالمان (۲۰۰۰) است، دورکیم استدلال می‌کند که احساس آنومی در جامعه‌ی مدرن با افزایش تحرک اجتماعی و تغییر اجتماعی اجباری شدت می‌گیرد و پیامد این فرآیند، «عدم نشاط» یا همان «خودکشی» است (گلاتزر، ۲۰۰۰).

به صورت خلاصه می‌توان بیان کرد که: این تحقیق با هدف بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان نشاط در استان خوزستان انجام گرفت. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که میزان نشاط افراد در حد متوسط است؛ همچنین احساس آنومی، احساس امنیت،

اعتماد اجتماعی، دینداری، احساس محرومیت و سن تأثیر معنی‌داری بر میزان نشاط داشته‌اند. به نحوی که این ۶ متغیر با توجه به ضرایب به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند. از متغیرهای زمینه‌ای نیز، وضعیت مسکن و تحصیلات با متغیر وابسته (نشاط) رابطه‌ی معنی‌داری داشتند؛ همچنین جهت یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در تبیین میزان نشاط، از تحلیل رگرسیون استفاده شد. ضریب تعیین $R^2=0/179$ بدست آمد.

پیشنهادات پژوهش

با توجه به وجود رابطه‌ی مثبت بین دینداری و نشاط، اجرای طرح و برنامه‌های متنوع توسط نهادهای متولی مانند: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مساجد برای اқشار مختلف جامعه با هدف ترویج و تقویت فرهنگ دینی امری ضروری به نظر می‌رسد. نظر به رابطه‌ی تنگاتنگ خانواده و مذهب، تقویت نهاد خانواده و ارزش‌های مربوط به ازدواج و زندگی خانوادگی به منظور تداوم ارزش‌های دینی دارای اهمیت فراوان است. بدیهی است این کار هم ماهیتاً ارزشمند است و دارای پیامدهایی همچون تقویت و ارتقای روحیه‌ی نشاط و شادابی در بین افراد جامعه است؛ همچنین پیشنهاد می‌گردد سازمان‌های ذیربط با همکاری سازمان صدا و سیما در جهت تقویت احساس همبستگی اجتماعی میان افراد جامعه خصوصاً در بین قومیت‌های مختلف تلاش کنند تا بدین‌وسیله بتوان میزان اعتماد تعمیم‌یافته را افزایش و در نهایت در جهت ارتقای سطح نشاط عمل نمود.

با توجه به تأثیر احساس امنیت بر نشاط، تلاش جدی نهادهای امنیتی همچون نیروی انتظامی برای تضمین امنیت جانی در جامعه ضروری به نظر می‌رسد، تا از این رهگذر بتوان در مسیر افزایش میزان نشاط در جامعه گام برداشت. از طرف دیگر، نظر به تأثیر احساس امنیت مالی بر میزان نشاط، سازمان‌های مربوطه باید به منظور افزایش نشاط، در جهت کاهش مشکلات اقتصادی از جمله مسئله‌ی تورم و بیکاری و بهبود سطح رفاه اقتصادی افراد جامعه تلاش بیشتری نماید.

فهرست منابع:

- ازکمپ، استوارت (۱۳۷۳). روانشناسی اجتماعی کاربردی، ترجمه‌ی فرهاد ماهر، مشهد: آستان قدس رضوی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه‌ی یعقوب احمدی، تهران: کویر.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۲). روانشناسی شادی، ترجمه‌ی فاطمه بهرامی و دیگران، اصفهان: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج اول (۱۳۸۰). دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج دوم (۱۳۸۲). دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود؛ موسوی، سید محسن (۱۳۸۸). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان"، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی نهم، شماره‌ی ۱ و ۲.
- ربانی، رسول و دیگران (۱۳۸۶). "فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره‌ی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان"، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۳.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، نشر سروش.
- شریفی، خدیجه و دیگران (۱۳۸۹). "وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵"، فصلنامه‌ی فیض، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی ۱.
- شهیدی، شهریار (۱۳۸۸). روانشناسی شادی: آشنایی با آخرین نظریه‌ها و پژوهش‌های علمی، تهران: نشر قطره.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، ترجمه‌ی غلام‌عباس توسلی، تهران: چاپ اطلس.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر علمی.
- کوهن، آلوین استانفورد (۱۳۸۵). تئوری‌های انقلاب، ترجمه‌ی علیرضا طیب، تهران: قومس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: انتشار.

نوریس، پیپا، اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۷). مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان کند و کاوی در جوامع مذهبی و غیر مذهبی جهان، تهران: کویر.

هزارجریبی، جعفر، آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). "بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)"، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۳۳، شماره ۱.

Bulmahn, T. (2000). "Modernity and Happiness- the case of German", *Journal of Happiness Studies* (1) 375-400.

D. Ambrosio, Conchita, Frick, Joachim R. (2004). "Subjective well-being and Relative Deprivation: An Empirical link", *ISA Discussion Paper Series* (1) 1-22.

Glatzer, W. (2000). "Happiness: Classical Theory in the Light of Current Research", *Journal of Happiness studies* (1). 501-511.

Hills, P., Argyle, M. (2001). "The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being", *Personality and individual Differences* (33).1073-1082.

Inglehart, R. (1997). *Modernization and Post-modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Societies*. Princeton: Princeton University Press.

Mokerjee, R., Bron, K. (2005). "Gender, religion and happiness", *The Journal of Socio-Economic* (34). 674-685.

Pollner, M. (1989). "Divine Relations, Social Relations and well-being", *Journal of Health and Social Behavior* (30).92-104.

Runciman, W.G. (1966). *Relative Deprivation and social Justice*. Routledge, London.

Sharma, A., Malhotra, D. (2010). "Social-Psychological Correlates of Happiness in Adolescents", *European Journal of Social Science* (12). 651-662.

Snoep, L. (2008). "Religious and happiness in three nation: a research note", *J Happiness stud* (9). 207-211.

Swinyard, William, Kau, An-keng, Phua, Hui-yin (2001). "Happiness, Materialism and Religion Experience in the USA and Singapore", *Journal of Happiness studies* (2). 13-32.

Tov, William, Diener, Ed. (2009). "The well-being of Nations: Linking Together Trust", *Cooperation and Democracy. Social Indicators Research Series* (37). 155-173.

Uchida, Y., Norasakkunkit, V., Kitayama, Sh. (2004). "Cultural Construction of Happiness: Theory and Empirical Evidence", *Journal of Happiness studies* (5) 223-239.

Welzel, Ch., Inglehart, R. (2010). "Agency, Values, and Well-Being: A Human Development Model", *Soc Indic Res*, 97:43-63.